

## هرات

شهر عزیز هرات که مثل بلخ دارای همه گونه مفاخر تاریخی و مزایای قدیمی بوده، و سرنوشت مهمی را در تاریخ این کشور دارا میباشد، البته حادثات و وقایع تاریخی آنجانب توجه و طرف میل تمام علاقه مندان این خاک پاک بوده و انجمن ادبی که درین مورد همواره ذوق و امالی داشته و نتخواسته است لجه از ابراز اینگونه خدمات خود داری کند لهذا طوریکه از شماره (۴۰) شروع بذکر مختصر وقایع تاریخی بلخ نمود اینک ازین شماره به نشر حوادث تاریخی و جغرافی هرات شروع مینماید.

جناب فاضل جلالی عضو انجمن ادبی کابل که درین رشته ذوق داشته و مدتی است مصروف تهیه مواد و زحمت و تحقیق و تتبع این نگارش اند اینک بقدریکه ماخذ شان مساعدت می نمود نگارشی درین موضوع نموده و به انجمن حاضر کرده اند لهذا ما از آغاز این شماره مسلسلاً الی شماره های ما بعد به نظر قارئین رسانیده و توفیقات کامله را برای نگارنده محترم از خندای بزرگ تمنا داریم. (انجمن)

## هرات

نگارش جناب قلام جیلا خان  
(جلالی)

هرات و تذکر آن در ماخذ قدیمه 'بنای شهر' موقعیت  
و محل وقوع 'ذکر مختصر از بعض اینیه' آب و هوا 'پیداوار'

وضعیت کنونی آن بحیث مجموع انسانی و مطالعات فریبگی

هرات مرکز ولایت معروف و بک شهر شهیر افغانستان است، اگر چه اسم این شهر برای اولین مرتبه در فهرست ساختمان های زر دشتی که در سدی و بندیداد (Vendidad Sade) (۱) تذکار یافته برده نشده و احتمال دارد که در آن اوقات این نام بدریای آریوس (هر رود) و حوضه آن که بکنار آن مردم آباد بودند داده شده باشد، ولی قدامت عمرانی این شهر از ملاحظه گل انبار هایکه بمرور دهور رویهم ریخته و در زیر بنای موجوده هرات دیده میشود بتاریخ آسیای وسطی (که اهل تاریخ خصوصاً

(۱) سدی و بندیداد Sade Vendidad فصلی معروفی است در اوپستا

دومارگن De morgan آرا (۸۰۰۰) سالق، م حدس میزند (۱) منسوب است  
زیرا و برانه هایکه بدور شهر موجوده یافت می شود و در افسانه های یونانی بنامهای  
بوکبوس Boecbus هر کولیس Hercules و سمیرامیس Smeramis یادشده بنای  
آن قبل از دوره هخامنشی هامیباشد (۲)

بقول انسای کلوپیدیای اسلام تاریخ این شهر در او ایستا آغاز گردیده و نام  
کلاسیک آن در او ایستا هر یو Haroyu یا هر ابوه (Haraeva) قید است  
یونانی ها آنرا آریا (Areie) خواندند و اسکندر اعظم در آنجا بنام الکزنداریا  
آریون Alexandria areion شهرنوی بنا نمود (۳)

بقول مستشرق معروف استاد بار تولد بطلمیوس تحت عنوان آریامتروپولیس  
Ariametropolis نیز ازان شرح میدهد (۴)  
در نقشه فتوحات کوروش کبیر بین سنوات (۵۴۶ - ۵۳۹ ق م) هرات  
بنام هر ای و - آریا - و هر برود با سم آریوس و رخیج قرون ما بعد یا قندهار  
کنونی بنام ارخواتیش ذکر شده (۵)

هکذا در نقشه هخامنشی عیناً بهمان اسم فوق الذکر از هرات نام برده شده  
و در کتیبه بزرگ بی ستون (۵۴۹ - ۴۸۵ ق م) و کتیبه نقش رستم تحت بند  
۳ از زبان شخص داریوش در ضمن ممالک مفتوحه ام هرات بهمان نام فوق الذکر  
قید شده و در بند ۶ کتیبه موخر الذکر افغانستان مرکزی که از هرات تا حوالی  
سند تقریباً امتداد می یافته با اسم « نِت کوش » مذکور است (۶)

در کتیبه نخت جمشید و فهرست اسامی ولایات مفتوحه: ولت هخامنشی نیز از هرات و بعض

- (۱) انسای کلوپیدیا بریتانیکا ص ۴۷۲ ج ۱۱ و ص ۲۵ سالنامه ۲ کابل (۲)  
انسای کلوپیدیا بریتانیکا (۳) انسای کلوپیدیا اف اسلام (۴) جغرافیای ایران ص ۱۰۲  
تالیف استاد بار تولد (۵) ایران باستان ص ۲۷۵ ج اول (۶) ایران باستان ص ۱۱۵۲ - ۱۱۵۳  
ج ۲ کتاب ۲ دوره اول فارسی

ولایات افغانی بزبادت اقوام دادیک ها ( تاجیکها ) و پاکتیکها ( بختونهای هیرو دوت غالباً ) نام برده شده ( ۱ ) خلاصه اگر چه مورخین کلاسیک مشرق راجع به بنای شهر اختلاف دارند بعضی از ابا پشنک و برخی باردشیر و عده بشمیره رئیس بومی و کسانی بهرات نام یکی از شاهان وطنی نسبت مینمایند از آنجمله سیف الدین هراتی در تاریخ هرات خود بنای شهر را بطهمورس بن هوشنگ و خرنوش نام رئیس بومی هرات نسبت میکند و علت بنای آنرا مدافعه از مهاجرات کوچ نشینان که غالباً مهاجرین آریائیها خواهند بود می نویسد . ( ۲ )

اما حقیقت این است طوریکه انسای کلوپیدیا بریطانیکا تصریح مینماید ( ۳ ) نخستین بانی هرات و تاریخ ساختمان اولی آن تا حال معلوم نشده و محققین بجز اینکه قدامت عمرانی آنرا قبل از ورود مهاجرین آریا تصدیق میکنند دیگر تفصیلی راجع بآن نداده اند اینقدر باید گفت که در قرن ۶ قبل از میلاد مسیح ( ع ) زمان امپراطوری کوروش کبیر این اسم بشهر و ولایتی داده می شد که در شرق فارس و شمال غربی ارخواتیش ( قندهار حالیه ) « و فراوه » یا ولایت « فراه » کنونی و جنوب غربی « باختر » و غرب ولایت « غور » کابین بود در آن اوقات و کذا در اوایل ظهور دیانت مقدس اسلام « بلاد غور بسبب دشواری موقیعت جغرافیائی خود از اجزای ولایت هرات مجزا و غالباً همیشه مقر حکم داران مستقلی بوده چنانچه بعدها نیز جغرافیة نویسان قرن ۱۰ میلادی « غور » را یگانه ولایتی می نویسند که از هر طرف بمالک اسلامی محاط و باین حال ساکنین آنجا از اسلام بی بهره بودند - همین واقعه که کوهستانیان غور مدت مدیدی در برابر مهاجرات فاتحین داخلی و خارجی مقاومت نمودند بشبوت میرساند که به مملکت غور دسترسی نه بوده بنا بگفته فریه ( ص ۱۵ ج ۲ ) تمام این

( ۱ ) ایران باستان ص ۱۴۵۸ ح ۲ کتاب دوم دوره اول ( ۲ ) ج اول آثار

هرات ص ۲۰ - ۱۳ ( ۳ ) انسای کلوپیدای بریطانیکا ص ۴۷۲ ج ۱۱

مملکت کوهستانی را می توان بمنزله قلعه عظیمی دانست که در مرکز و مرتفع ترین نقاط سرزمین بلند و بزرگ آسیا کاین است؛ بقول استاد « بارتولد » بدوره اسلام اول کسیکه وارد داخله کشور غور گردید سلطان مسعود بود که در عهد پدر خود سلطان محمود کبیر در ۱۰۲۰ میلادی از هرات به غور فوج کشی نمود (۱) ابن اثیر فتح قلعه آهنگران غور را در ۴۰۱ هجری بشخص سلطان محمود غازی نسبت کرده و شاه مغلوب غور را ابن سوری قید داشته که مشارالیه بعد از اسارت خود را مسموم و هلاک ساخت (۲) هکذا تذکره بهادران اسلام و حمد الله مستوفی در تاریخ (گزیده) گفته ابن اثیر را نائید می نماید (۳) بناء علیه معلوم میشود که کشور غور قبل از واقعه مسعود بدست سلطان محمود کبیر مفتوح گردیده است (۴)

بالمقابل ولایت هرات بجانب كشمك وسعت داشت چنانچه در اینجا بقرب آبادی کنونی قلعه مور شهر با غشور واقع بود که از اینجا علاوه بر راه هرات بمرور دوراه دیگری از مرغاب و قلعه احنف (قراول خانه حالیه) بجانب غرب و بادغیس میرفت، خرابه های باغشور حالا نیز محوطه بزرگی را اشغال داشته و در وسط این محوطه بر روی تپه مصنوعی و من تفعلی آثار قلعه قدیم که از خشت پخته ساخته بودند نمایان است، بقایای شهر باغشور قرار معلوم در همانجا است که حالا بقعه مرو شهرت دارد باغشور بقول ابن حوقل در قرن ۴ هجری مطابق ۱۰ میلادی یکی از قشنگترین و متمولترین شهرهای خراسان بود و الی این ناحیه عموماً در بابا یا بابان که از نصف شهر هرات کلانتر بود رهایش داشت شهر کنف نیز درین ناحیه بقدر نصف باغشور آبادی داشت و تمام این مواضع

(۱) جغرافیای تاریخی ایران ۱۰۳ - ۱۰۴ (۲) ابن اثیر ص ۹۱ - ۹۲ ج ۹ طبع مصر

(۳) تاریخ گزیده ص ۳۹۷ تالیف حمد الله مستوفی طبع لندن .

(۴) در ناسخ التواریخ فتح نخستین غور را در سال ۱۰۸ هجری بدست اعراب نوشته است .

دارای خانه های خوش بنا با بساتین و مزارع شاداب محاط بود و بوسیله انهار متعدد و کارزها آبیاری می شد باقوت که در ۶۱۶ هجری این سر زمین را زیارت نموده زمینه فوق الذکر تمول گذشته باغشور و شهرهای همجوار آنرا تصدیق می کنند و می گویند که در زمان مذکور اگر چه قبل از هجوم مغل است تمام آبادی این سامان رخ بخرانی رفته بود.

موقعیت جغرافیائی شهر هرات اگر چه در کتب تاریخ و جغرافیه و دایرة المعارف ها باختلاف مذکور است از انجمله انسای کلو پیدای اسلام آنرا در عرض البلد شمالی ۲۲ دقیقه - ۲۴ درجه و در طول البلد شرقی ۹ دقیقه - ۶۲ درجه و آثار هرات موقعیت شهر را در ۴ دقیقه - ۳۴ درجه عرض شمالی و ۲۰ دقیقه - ۶۲ درجه طول شرقی قید میکنند اما آنچه به نقشه تطبیق میدهیم گفته انسای کلو پیدای بریتانیکا که وقوع این شهر عزیز را در ۳۰ ثانیه - ۲۰ دقیقه - ۳۴ درجه عرض شمالی و ۱۱ دقیقه - ۶۲ درجه طول شرقی نشان میدهد و قوعی و درست تر است (۱)

بقول مستشرق معروف استاد بارتولد شهر آرنانگوان بایتخت قدیم بومی که در ماخذ یونانی و غیره مذکور است بجای آرک کنونی هرات آباد بود که پسانها بدوره سلاطین کرت قرن ۱۳ - ۱۴ با اسم اختیارالدین معروف کشت شهر آریا متروپولیس ( اسکندریه آریانه ) را اسکندر که تفصیل آن ذکر خواهد شد بدورا دور آرنانگوان تعمیر کرد، (۱) این شهر بواسطه شادابی فوق العاده هر برود بدوره سامانیان با اینکه از راهای کلان تجارنی برکنار افتاده بود یکی از مهم ترین شهرهای خراسان بحساب میرفت راه ایران به ترکستان از نیشاپور بشرخس و از آنجا بمر و میرفت از مرو راهی بسوی بلخ جدا میشد که مال التجاره (۱) انسای کلو پیدیا بریتانیکا ص ۴۷۲ ج ۱۱ (۲) جغرافیه تاریخی ایران ۱۰۲ تألیف استاد بارتولد

هند را بدانجا وارد می‌کرد علاوه بر هرات باسیستان و ولایات جنوب غربی ایران هم تجارت داشت طول و عرض این شهر در قرن ۴ هجری مطابق ( قرن ۱۰ میلادی ) بقول ابن حوقل و مقدسی عبارت بود از يك فرسنگ و مانند دیگر شهر های کلان دارای شهرستان ( اصل شهر ) و محلات خارج و ارك بوده شهر چهار دروازه بچهار سمت عالم داشت که بقول استاد لوسترانج Lestrange بدروازه قصر یا ( باب السرای ) و دروازه ( باب الزاهد ) و ( باب فیروز ) ( و باب كَشَك ) شهرت داشتند راه بلخ از دروازه شمالی یعنی دروازه قصر و راه نیشاپور از دروازه غربی یعنی باب زاهد و راه سیستان از دروازه جنوبی یعنی باب فیروز کشیده شده بود در بین دروازه ها تنها دروازه شمالی ( باب السرای ) آهنین و باقی از چوب تیار شده بود از انجمله دروازه شرقی ( كَشَك ) تا هنوز بهمان نام یاد می شود ارك هرات که قهندز یا قلعه خوانده می شد نیز بنامهای دروازه های شهر دارای چهار دروازه بود (۱) .

قصر امیر در سمت غربی بفاصله يك فرسنگ از شهر بكنار سرك غربی فوشنج واقع بود و باستقامت هر يك از دروازه های شهر بازار و خارج هر دروازه قریه جات وسیع و معموری آباد بودند تقریباً تمام شهر بدیوار بیرونی که بفاصله ۳۰ کام از دیوار درونی ساخته شده محاط بود در مابعد این دیوار ها بسبب پیش آمد ها تخریب شد (۲) در بیرون شهر و نواحی کارزار گاه (۳) تا کوه مختار چشمه ماهیان بلکه از قریه یاشتان ناقصه ساق سلمان که قریب شش فرسخ است تماماً باغات و از دره دو برادران تا پل مالان بقدر دو فرسنگ و تا کوه اسکچه باندازه چهار فرسنگ و از او به تا کوسویه

(۱) اراضی خلافت شرقیة تألیف مستشرق معروف انگلیس استاد لوسترانج طبع کبیرج (۲) ص ۱۰۲

۱۰۳ جغرافیه تاریخی ایران تألیف استاد بار تولد . (۴) کاذر گاه فعلی

که سی فرسنگ مسافت در بر می گیرد باغات و قریه جات مربوطه هرات با هم متصل افتاده سواد اعظمی را تشکیل میداد در محل مصلی و عیدگاه حالیه در ماقبل از اسلام نیز معبد بزرگ جاهلیت بنا یافته بود که باصطلاح آنوقت بکوی خدایگان شهرت داشت (۱) اصطخری در (۲۶۴-۲۶۵) و ابن حوقل (۳۱۶-۳۱۷) محل اینیه بزرگ هرات را مانند دیگر شهرهای کلان باینطور می نویسند که قصر در محلیکه ذکر رفت و مسجد جامع در مرکز شهر و محبس خانها در سمت غربی جامع و بازارها (در قرب دروازه ها و اطراف مسجد جامع واقع بودند) ساختمانهای هرات مانند دیگر شهرهای بزرگ آنوقت از گل بود سنگ هائیکه برای سنگ فرش لازم می شد از جبال واقعه دو فرسنگی شهر می آوردند اینکوها در همان وقت نیز از جنگل برهنه بودند برای سوخت بوته های دشتی را که از هر رود بطرف جنوب امتداد داشت بکار می بردند معبد قدیمی آتش پرستان موسوم به (سرسک) که خیلها طرف آمد و شد مجوس واقع می شد در قلعه کوه و کلیسای زسایان در مابین کوه و شهر واقع شده بود. پارچه هرات پس معروف و مخصوصاً بعد ها یکنوع پارچه زربفتی راه دار دارای تصاویر در هرات یافته می شد که نهایت نفیس و گرانبها بود از هرات مقدار بسیار کشمش و پسته و عسل و سایر اشیا بخارج حمل میکردند اینکه استاد بار تولد متذکر است که تاریخ هرات بدوره قبل از مغل چند آن جالب توجه نیست شهر معمولاً در مقدرات سایر قسمت خراسان بود و در هیچ زمان مقر شهر یاران مستقل و مقتدری نه بوده است (۲) کمان می رود از مبالغه خالی نیست زیرا تمدن هرات در زمان کوشانیها و اقتدار آن در زمان طاهریان فوشنج قرن (۲۰۵-۲۴۹ هجری) و غوریان و غزنویان و سلاطین کرت که در محلس مفصل ذکر

(۱) آثار هرات ص ۸ ج اول تالیف خلیلی افغان .

(۲) جغرافیه تاریخی ایران ص ۱۰۳

خواهد شد خیلها قابل اهمیت میباشد نیز مستشرق معروف استاد لوسترانج در اثر معروف خود خلافت شرقیه می نویسد که بجنوب هرات بحدود پل مالان واقعه در بالای دریای هر رود تمام اراضی بصورت باغی تشکیل یافته و زراعت آن با علی درجه بعمل می آمد این قطعه که با کنالهای متعدد و وافر آبیاری میشد بچندین بلوک و ناحیه تقسیم شده قریه جات وسیع و قصبات پر جمعیت این ناحیه بامتداد سرک سیستان بیشتر از بکروزه راه کابن و آباد بود و این آبادی و شهرت هرات تا زمان حمله مغل دوام داشت .

امام شهاب الدین ابی عبدالله که ۱۲ سال قبل از هجوم مغل در هرات بود نیز راجع به اهمیت هرات می نگارد در ۶۰۷ هجری که من بخراسان بودم در تمام مملکت مذکور مانند هرات شهر بزرگ و پر جمعیت و زیبا و با مفاخر ندیده ام در آن هنگام هرات دارای باغهای بسیار و انهار فراوان و مدارس کثیر التعداد و علما و فضلاء بی شمار بود این شهر بدوره استیلای اسلام مرکز آنمه و علمای اعلام قرار یافته محدثین عظام و رواة اخبار را بآن نسبت میکنند (۱) .

قزوینی معاصر یاقوت باعلاویه اینک شهر را در وسط یک ولایت حاصل خیزی کائن دانسته تمام مطالب امام شهاب الدین را اثبات کرده علاوه آن میگوید در اینجا آسیاهای زیادی که بدون استعمانت آید به باد گرازش داشتند و تاربخ ایجاد آنرا از زمانهای خیلها قدیم نشان میدادند دیده میشد ملاحظه ابن آسیاهای مورخ مذکور یک منظره منتها بهت انگیزی را ارائه کرده بود کذا استاد لوسترانج در خلافت شرقیه مهم ترین اثر خود از همین قسم آسیاهای بادی را در فوشنج هرات نیز تذکر داده است (۲)

(۱) معجم البلدان ص ۴۰۱ ج ۸ طبع مصر .  
 (۲) خلافت شرقیه طبع کبرج تالیف لوسترانج .



بهر حال طوریکه از کتب قدیمه ( وید ) و ( آویستا ) معلوم میشود آریانه ( ولایت هرات ) در قدیم نسبت با امروز بیشتر سرسبز و شاداب و دارای جلگه های وسیع و مرغزارهای لطیف و جبال مملو از اشجار بوده از حیث علف و نباتات هر قسم ' طیور ' مواسی و غیره و سایل تغذیه انسانی و حیوانی خوبتر برای گذاره و رهائش مساعد بود ( ۲ )

در جای دیگر شخص استاد بار تولد نیز زمینه را تأیید نموده میگوید : نظر بوجود خرابه های زیاد این سرزمین در زمان قدیم از محوطه مزارع عالیله که شرب مصنوعی و طبیعی دارند بیشتر معمور و مسکون بوده است ( ۳ )

اینکه از جمله تمام ممالک آریا و ولایات قدیم افغانستان هرات ( آریانه ) نام قدیم خود را حفظ کرده و تا اکنون باین اسم یاد میشود از روی اهمیت تاریخ آن است که در هر سه دوره مشرق قدیم - مشرق مسیحی - مشرق اسلامی روشن و مورد توجه و جالب انظار بوده است .

شهر موجوده هرات که درین مورد ذکر از آن هم لازم آمد با ارتفاع ۲۶۵۰ فوت از سطح بحر واقع است . از مرکز هرات قندهار در جنوب شرق ۳۶۰ میل ، کابل در سمت شرق آن ۵۵۰ میل ، بلخ و بخارا در شمال آن ۶۰۰ میل ، خیوا ( ۷۰۰ ) میل فاصله دارد ، رقبه شهر با اختلاف جغرافیه نویسان معاصر یکمیل و بروایتی یک کیلومتر مربع اندازه شده بنای شهر بشکل مربع و منظمی نهاده شده و به ( ۱۴۵ برج ) و دو شیرازه و یک خندقیکه ۱۸ فوت عرض و ۳۵ فوت عمیق است ، محاط می باشد از وسط شهر چهار راه بچهار جانب کشیده شده شهر را بچهار حصه تقسیم می نماید ، در وسط شهر بمقام چهارسوق برکه کلانی ساخته تمام

( ۲ ) - سالنامه دوم کابل ص ۱۸ ( ۳ ) جغرافیه تاریخی ایران ص ۱۰۴ تالیف بار تولد .

بازارهای آن مسقف و ۱۵۰ فتن عریض میباشند!

علاوةً هرات موجوده دارای چهار بازار دینج دروازه است که بازار قندهار بجنوب و بازار خوش بسمت مشرق و بازار عراق یا مشهد بغرب و بازار ملک طرف شمال است هکذا دروازه ملک متصل ارک جدید در جنوب، دروازه قندهار، در شمال شرق دروازه قطب چاق در شرق - برج کشک در غرب دروازه عراق - نیز بازارهای مذکور شهر را بچهار محله ذیل تقسیم می کند:

۱- محله قطب چاق که از طرف شمال دروازه ملک شروع و بچهارسوق منتهی شده، درین محله ۳۰ دربند مسجد خورد و کلان و سه کاروانسرا، سه حمام ۱۵ حوض عمومی، ۱۰۰ حوض خصوصی با ۶۷۶ حویلی و ۴۵۵ دکان و ۳۲ برج واقع است.

۲- محله خواجه عبدالله مصری که بازار خوش دران حصه واقع است و از طرف مشرق شهر شروع گردیده بچهارسوق انجام میگردد درین محله ۱۲ مسجد بک تیمچه، ۲ حمام ۲۷ حوض کلان ۴۰۰ حوض خورد، ۷۴۰ حویلی، ۳۰۰ دکان، ۴۲ برج وجود دارد.

۳- محله بردرانی ها و بازار عراق که از طرف غرب آغاز و بچهارسوق وصل میگردد. درین محله ۲۰ مسجد، ۲ کاروانسرا، یک تیمچه، ۴ حمام، ۱۱ حوض کلان، ۱۰۰ حوض خورد، ۷۰۷ حویلی، ۳۶۷ دکان، ۲۸ برج واقع است.

۴ محله برج خاکستر که بازار قندهار دران واقع و از طرف جنوب شهر شروع شده بچهارسوق میرسد، درین محله ۲۰ مسجد (۱۰) کاروانسرا ۶ تیمچه،

۶ حمام، ۱۰۳ حوض، ۶۶۲ حویلی، ۳۳۸ دکان کابین است (۱)

مسجد جامع در حصه شمال و شرق شهر واقع است تمام اعمارات آن از خشت بخته و چونه بصورت هندسی بنا یافته دارای چهار ایوان بلند، پنج دروازه، ۶۰ گنبد، یک مدرسه

(۱) جغرافیه افغانستان ص ۱۰۰ - ۱۰۶ - کذا آثار هرات ص ۲۵ - ۲۶ ج اول.

است در سابق اکثر حصص آن کاشی کاری بوده و باقسام خطوط تزئین یافته بود که تمام  
تفصیل این بنوعه شریفه را در محاش بادبگر آثار مدنی اسلام در هرات خواهیم نگاشت  
خانه های هرات بسبب اینکه چوهای سقف را کرم ( خورده ) از هم میشکافتند  
غالباً گنبد دار است ( ۱ )

هر رود بفاصله ۳۰ میل جانب جنوب دروازه قندهار جریان دارد پل مالان که دارای  
۲۶ رواق و ساختمان آن پنجه کاری است بالای همین رود بنا شده ، این رود  
که از جبال شرقی ( چغچران و دولت بار ) از فاصله قریب کوه های شرقی دولت بار  
نبعان میکند بقول موسیور بموند فورن فرانسوی که در جغرافیای خود موسوم  
( بهندوکش و کابلستان ) از آن یاد میکند ۸۵۰ کیلومتر امتداد دارد از انجمله بقدر  
۵۰۰ کیلومتر مستقیماً از شرق بغرب بین دره کوهی بخط قوسی جریان دارد جلگه  
هرات ( که طول آن در جغرافیه افغانستان ۲۰۰ میل است ) و اراضی جنوب غربی هرات  
که از آنهار هر رود و کارزها آبیاری میشود در حدود ۴۰۰ مربع میل  
اندازه شده این رود از ارتفاع ( ۹۲۰ ) متر شروع بابیاری نموده بجانب  
شمال میل میکند ، از مقام ذوالفقار سرحد افغان بخوا عبور نموده در ( واح )  
نخن جذب می گردد ( ۲ ) هیت اد میک و او بلوف و انجیر مخصوصی زراعت بوکنج  
( Bukiniog ) روسی در کتاب خود ( بزراعت افغانستان ) عیناً معلوم  
موسیور بموند فورن را نسبت به هر رود نائید نموده راجع باراضی جلگه هرات  
می نویسد این اراضی بدون استعمال قوای مصنوعی برای اقسام کشت مندی مستعد است  
و میتوان آنرا در ردیف بهترین اراضی عالم حساب کرد ( ۳ ) - لهذا بسبب حاصل خیزی  
هر رود و دیگر آنها در ولایت هرات که بموقش از آن ذکر خواهیم نمود در حالیکه  
( ۱ ) آثار هرات ص ۲۷ ج اول ( ۲ ) جغرافیه هندوکش و کابلستان تالیف موسیور فورن  
( ۳ ) کتاب زراعت افغانستان تالیف هیت و او بلوف - بوکنج Bukiniog

جغرافیه نویسان قدیم هرات را (غله خانه آسیا میخواندند) بيموردنه بوده است آب و هوا: این ولایت در زمستان، برفباری کم و باران کافی دارد و ازین رو زمستان هرات نسبت بزمستان کابل گرمتر است اما بعضاً مقیاس از دو ۲ تا ۱۰ درجه سانتیگراد تحت صفر میروود در موسم بهار بقدر ۱۲۰ روز باد شدید میوزد که از جمله ایام مذکور ۴۰ روز شدیدتر میباشد میگویند که اگر وزش بادهای مذکور هوای هرات را معتدل ناسازد البته هوای آن خیلی گرم است حرارت تا پنجاه درجه فوق الصفر دیده میشود بحیث مجموع هوای مذکور منتها صحت بخش و بری است.

پیداوار محصولات زراعتی هرات بمقدار کثیر و غالباً از احتیاج اهالی زیاده تر است. گندم بدو قسم: زعفرانی و شانیازی، جو، جواری، برنج باقسام نیلوفر، و غیره پنبه اعلی، بقولات از رقم سبز بجات، لب لبو، زردک، شلغم، کاهو، کرم، کچالو، باد نجان رومی و غیره بخوبی تربیت میشود میوه فراوان دارد در جلگه هرات تنها از جنس انگور پنجاه نوع به عمل می آید از آن جمله انگور فخری آف تا آخر زمستان باقی می ماند - خربوزه به چندین رقم علاوه انگوزه، ترنجبین، شرخشت، چهار مغز، انار، بهی، ناک، آلوبالو، زردالو، شفتالو، انجیر، توت، آلوی سیاه، سیب، چیتی (میوه فی است که شبیه با میوه طوطا) پسته، زرشک، کوکنار بکثرت بثمر میرسد (۱)

### رتال جامع علوم انسانی

صنعت و حرفت: از قبیل پارچه جات کرک، برک، تمد، قالین، قناوین، بشرویه اقسام تکه باب پشمی و ابریشمی در هرات برای تجارت تهیه میگردد. تعداد نفوس موجوده شهر هرات پنجاه هزار نفر اندازه شده در حالیکه این جمعیت با تعداد نفوس کمترین محله هرات در زمان قدیم که (ما آینده از ان شرحی خواهیم نگاشت) نیز طرف واقع شده نمیتواند. (نا تمام)

(۱) جغرافیه افغانستان ص ۱۰۸ - ۱۱۰.